

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تقسیم روایات باب انتفاع به میته

عرض کردیم که روایات از این نظر که آیا از آن حرمت انتفاع به میته یا جواز انتفاع استفاده می شود، بر دو طائفه است؛ طائفه اول روایاتی که از آن منع انتفاع به میته استفاده می شود، که اینها خود چند قسم هستند - این نکته را مد نظر داشته باشید که اگر به برخی از کتب بزرگان مراجعه می فرمایید ملاحظه کنید که مثلاً یک روایتی که باید جزء طایفه مجوزه به حساب بیایید را جزو روایات مانعه ذکر کرده اند - .

این روایات عمدتاً در باب اطعمه و اشربه و سائل الشیعه - که در چاپ جدید، در جلد 24 آمده - و بعضی در کتاب الطهاره و بعضی به مناسبت صلاة در کتاب الصلاة ذکر شده است . یکی از نکات این است که انسان بتواند بفهمد تناسب ذکر روایت کجا است؟ وقتی می گوئیم میته یکی از نجاسات است، سه جا می تواند مطرح باشد، یک جا در بحث کتاب الطهاره در بحث اینکه آیا میته نجس است یا نه؟ یکی در بحث لباس مصلی و دیگر در بحث خوردن و انتفاع که در ذیل باب اطعمه و اشربه بحث می شود.

اولین روایت

اولین روایت : وسائل الشیعه جلد 24 ص 185 باب تحریم استعمال جلد المیته و غیره من کل ما تحله الحیاة، مرحوم صاحب وسائل بابی را مطرح می کند تحت عنوان «تحریم استعمال جلد میته استفاده از پوست حیوانی که میته است حرام است و نیز غیر از جلد آن هر عضوی که حیات در او حلول کرده است. روایت، حدیث 4 این باب است. موثقه سماعة است - و روایت؛ عنوان موثقه دارد - که موثقه روایتی است که در سلسله سندش امامی ممدوحی که تصریح بر عدالت او نشده وجود داشته باشد .

عن محمد بن الحسن عن الحسن عن زرعة عن سماعة قال سئلته عن جلود السباع (سباع و درندگان قابل تذکیه نیستند و اگر مردند عنوان میته را دارند، سوال کرده از پوست این حیواناتی که از بین رفته اند) أینتفع بها؟ آیا قابل انتفاع است؟ قال : اذا رمیت فانتفع بجلده ، وقتی وسیله شکار را پرتاب کردی از جلدش می توانی استفاده کنی، و أما المیته اگر سباعی خودش مرده فلا يجوز أن تنتفع بجلده در بعضی از نسخه ها دارد اذا رمیت و سمیت و اگر هنگام رمی بسم الله هم گفتی می توانی استفاده کنی.

نکته اول در بررسی روایت

در روایت سه نکته باید بحث شود؛ یک نکته این است که آیا از روایت حرمت انتفاع مطلق استفاده می شود؟ آیا می توانیم از روایت استفاده کنیم که انتفاع به این میته به صورت مطلق حرام است یا اینکه فقط در خصوص جلد میته است؟ سوال، **عن جلود سباع** است، پوست این حیوان را می توان استفاده کرد یا نه؟ امام می فرماید اگر **رمیت و سمیت** استفاده کن، اما اگر میته بود و تزکیه نشده، این قابل استفاده نیست و از جلدش نمی توانی استفاده کنی .

الغاء خصوصیت از جلد

آیا می توانیم از کلمه جلد الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم در میته سباع، جلد، گوشت و همه خصوصیاتش غیر قابل انتفاع است؟ و حتی برای کود و خوراک طیور و امور دیگر که عقلاً عنوان انتفاع «هم نتوان استفاده کرد؛ ظاهرش این است که ما نمی توانیم از خصوص جلد الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم جلد خصوصیت ندارد و جلد و گوشت و سایر خصوصیات میته طبق این روایت قابل استفاده نیست،

برای اینکه پوست یک چیزی است که این خصوصیت را دارد که قابلیت سرایت دارد، می پوشید، زیر پا قرار می دهند و به عنوان بستر استفاده می کند و انسان عرق می کند و سرایت دارد، لذا امام از این جهت گفته اند استفاده نکن. اما در سایر عنوان مثلاً گوشت او را تبدیل کنند و بخواهند به عنوان خوراک طیور از آن استفاده کنند یا گوشت او را بخواهند تبدیل کنند به مواد دیگری که چه بسا ممکن باشد که از آن موادی که حتی انسان بخواهد در غیر اکل از آن استفاده کند، این چه اشکالی دارد؟

کلام مرحوم امام(ره)

مرحوم امام در مکاسب محرمة، ج 1، ص 68، نظر شریفشان این است که می شود الغاء خصوصیت کرد. روایت می گوید **سئلته عن جلود السباع اینتفع بها؟ قال اذا رمیت فانتفع بجلده واما الميته فلا** . ایشان می فرمایند اینجا الغاء خصوصیت مانعی ندارد. این نکته اینجا باید عرض شود که الغاء خصوصیت در جایی است که ما یقین داریم خصوصیت ندارد . مثلاً در روایات احکام شک می گوید «**اذا شک الرجل بین الثلاث و الاربع**» ما یقین داریم که زن هم اگر بین رکعت سوم و چهارم شک کند حکمش همین است و یقین داریم که رجل خصوصیت ندارد . در این جا برای الغاء خصوصیت اگر ما چنین یقینی داشته باشیم و بگوییم در مورد میته یقین داریم که جلد خصوصیت ندارد، می شود الغاء خصوصیت کرد، اما عرض کردیم که چنین یقینی در اینجا نیست .

نکته دوم

نکته دوم این است که آیا سباع خصوصیت دارد یا نه ؟ امام(ع) در جواب سائل فرمودند: **واما الميته، یعنی دایره عنوان توسعه دارد و خصوص سباع نیست، بلکه سباع هم به عنوان اینکه مصداقی برای میته است همین حکم را دارد، پس سباع خصوصیت ندارد؛ یعنی اگر ما از این روایت استفاده کردیم که از جلد سباع نمی توان استفاده کرد می گوییم گوسفند مرده، اگر ذبح شرعی نشده باشد از پوست او هم نمی توانیم انتفاع ببریم . از لفظ سباع می توانیم الغاء خصوصیت کنیم؛ چون در جواب امام عنوان را برده است روی میته، می فرماید **أما الميته فلا، یعنی فلا تنتفع بجلده**.**

نکته سوم

نکته سوم در این روایت این است که آیا می توانیم انتفاع را یک انتفاع خاص معنا کنیم؟ مثلاً بگوییم مراد سائل استفاده برای لباس صلاتی بوده و بگوییم سائل که می گوید **أینتفع بها**، مقصود سائل انتفاع خاصی بوده است؟ این معنا وجهی ندارد، زیرا اگر ما بخواهیم انتفاع را به انتفاع خاص حمل کنیم نیاز به قرینه و دلیل دارد که ما چنین دلیلی نداریم.

نتیجه بررسی روایت اول

این روایت موثق است و دلالت دارد بر اینکه انتفاع به جلد میته حرام است . البته به نظر مبارک امام(ره) انتفاع به میته مطلقاً، چه جلد او و چه سایر اجزاء او حرام است، اما ما عرض کردیم که نمی شود از کلمه جلد الغاء خصوصیت کرد.

روایت دوم

روایت دوم که این روایت ضعیفه است و لذا از آن تعبیر به خبر می شود، در وسائل الشیعه جلد 24، باب 34 باب تحریم استعمال جلد المیته، حدیث 1، ص 184، محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن عاصم بن حمید عن علی بن ابی المغیره □

قبل از خواندن حدیث، سند آن را بررسی می کنیم . مرحوم صاحب ریاض این روایت را که نقل می کند تعبیر به صحیح کرده است، فرموده صحیحۃ ابی المغیره، در حالی که خود این علی بن ابی المغیره نه مدحی دارد و نه ذمی، و توثیق نشده است، اما پسری دارد به نام حسن بن علی بن ابی المغیره که نجاشی او را توثیق کرده و عبارتش این است **الحسن بن علی بن ابی المغیره الزبیدی الکوفی ثقة هو و أبوه روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله**، پدرش از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت می کند و هو یروی کتاب ابیه عنه تا آخر . برخی این روایت نجاشی را اینطور خوانده اند: **حسن بن علی بن ابی المغیره الکوفی ثقة هو و أبوه** ، هم خودش ثقة است و هم پدرش، در حالی که این و أبوه واو استینافیه است نه واو عاطفه، و پدر توثیق ندارد و روایت ضعیفه است .

بررسی متن روایت

روایت چیست ؟ **قال قلت لابی عبدالله(ع) جعلت فداک المیته ینتفع منها بشيء؟** از امام سوال کرده است که آیا می توان از میته به نحوی استفاده کرد؟ **فقال لا** ، فرمود نه. پس این روایت تا اینجا دلالت دارد بر منع انتفاع میته مطلقاً. اینجا باز هم کلمه جلد وجود ندارد، - ما هر روایتی را باید جدا معنا و بررسی کنیم و بعد جمع بندی کنیم - قلت، به امام ع عرض کرد که، **بلغنا عن رسول الله(ص)** ، به ما رسیده که پیامبر از گوسفند میته ای عبور می کرد، **فقال ما کان علی اهل هذه الشاة اذا لم ینتفعوا بلحمها أن ینتفعوا باهابها**،

اهاب به معنای جلد است راوی به حضرت عرض می کنند که پیامبر از میته ای عبور می کردند، فرمودند چرا حالا که مردم از گوشت این میته نمی توانند استفاده کنند از جلدش استفاده نمی کنند؟ قال امام فرمود، **تلك شاة كانت لسودة بنت زمعة** ، گوسفندی بوده برای سوده دختر زمعه و سوده زوجه نبی(ص) بوده است و **كانت شاة مهزولة لا ینتفع بلحمها** . وقتی زنده بوده

شاة لاغري بوده و از لحمش استفاده نمي شده، فتركوها حتي ماتت، رهائش كردند تا مرده است، فقال رسول الله ص ما كان علي اهلها اذا لم ينتفعوا بلحمها أن ينتفعوا باهابها إن تذكي. در بعضي نسخ دارد أي تذكي ، پیامبر فرموده چرا حالا که از گوشت آن استفاده نمي کنند از پوستش استفاده نمي کنند؟ فرموده این را ذبح کنند تذکيه شود و بعد از تذکيه از جلدش استفاده کنند، نه این ميتة اي که حالا افتاده است . این روايت اطلاق بسيار خوبي دارد و جلد و غير جلد را شامل مي شود، اما متأسفانه سندش معتبر نيست .

روايت سوم

روايت سوم به يك اعتبار حسنه و به يك اعتبار موثقه است . محمد بن الحسن باسناده عن الحسين ابن سعيد عن ابن فضال عن يونس بن يعقوب عن أبي مریم .

این روايت به يك اعتبار حسنه و به اعتبار ديگر موثقه است . این روايت هم درص 185، باب 34، حديث 3 ، قال قلت لابي عبدالله(ع) السخلة التي مر بها رسول الله و هي ميتة، سخله يعني گوسفند، گوسفندي که پیامبر بر او عبور کرد و ميتة بود، پیامبر فرمود قال ما ضرَّ اهلها لو انتفعوا باهابها ، يعني به اهل این گوسفند اشکالي وارد نيست اگر بيايند و از پوست او استفاده کنند فقال أبو عبدالله(ع) لم تكن ميتة يا ابا مریم امام صادق(ع) فرمود آن گوسفند ميتة نبود، ولكنها كانت مهزولة فذبحها اهلها – البته این نکته را عرض کنيم که راجع به این قضيه در بعضي روايات دارد که گوسفند براي سوده همسر نبي بوده و در بعضي روايات داريم که براي ميمونه همسر ديگر پیامبر بوده و در بعضي روايات براي شخص سومي ذکر کرده. در این روايات سه قضيه ذکر شده است اما سه قضيه نيست. صاحب وسائل در کتاب وسائل، احتمال اينکه سه واقعه باشد را داده است اما اينچنين نيست .-

روايت چهارم

روايت ديگر صحيحه عبدالله بن يحيي الكاهلي است که در جلد 24 ص 71 است، پيش مطالعه بفرماييد براي جلسه بعد ان شاء الله.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.